

فصل‌نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۴، شماره ۵۱، بهار ۱۴۰۱، صص ۴۵۵-۴۷۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۶

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2021.1906320.2038](https://doi.org/10.30495/dk.2021.1906320.2038)

بررسی و تحلیل مولفه «همدلی» در ادبیات معاصر کودکان

مریم علایی^۱، دکتر مریم یوزباشی^۲، دکتر زهره نورایی نیا^۳

چکیده

ادبیات کودکان نمونه زیبایی از ادبیات است که بخش عمده‌ای از رشد فرهنگی و فکری کودکان را بر عهده دارد. شعر کودک، بخش اساسی این نوع ادبیات را تشکیل می‌دهد و زمینه را برای رشد مهارت‌های فردی و اجتماعی کودکان و پرورش استعدادهاى ذهنی آنان فراهم می‌سازد. دنیای کودک، دنیایی حساس و مهم به لحاظ تاثیر تربیتی و اخلاقی است و شعر به عنوان یکی از ابزارهای تربیتی در این میان، نقشی مهم ایفا می‌کند. «همدلی» یکی از مفاهیم تربیتی برجسته و قابل پژوهش در حوزه شعر کودک است که بازتاب گسترده‌ای در ادبیات کودک و نوجوان داشته و از دیرباز تاکنون محور توجه شاعران کودک بوده است. این مقاله به شیوه توصیفی-تحلیلی و بر مبنای داده‌های کتابخانه‌ای به بررسی مفهوم همدلی در شعر کودکان «افسانه شعبان نژاد»، «جعفر ابراهیمی»، «اسدالله شعبانی» و «ناصر کشاورز» از شاعران شاخص و مطرح حیطه ادبیات کودک و نوجوان می‌پردازد. یافته‌های پژوهش، نشان‌دهنده توجه شاعران مورد مطالعه به مفاهیم تربیتی، به‌ویژه مولفه همدلی در آثارشان است.

کلید واژگان: شعر کودک، همدلی، افسانه شعبان‌نژاد، جعفر ابراهیمی، اسدالله شعبانی، ناصر

کشاورز.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

m.ahoor32@yahoo.com

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

maryamyoubashi77@gmail.com

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Nooraenia_z5@yahoo.com



مقدمه

ادبیات کودکان بخشی از ادبیات غنی و گسترده ماست که به سبب نقش و تاثیر فراوانی که در تربیت مخاطبان دارد، جایگاه ارزشمند و والایی را در علوم روانشناسی و تربیتی کسب کرده است. این گونه ادبی دربردارنده محتوای غنی برای کودکان است؛ محتوایی که به منظور تربیت فردی و اجتماعی کودکان به شکلی زیبا و ادبی آماده شده و بخش عظیمی از تربیت آنان را تحت تاثیر قرار داده است. امروزه همه روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت به اهمیت این ابزار برنده و موثر واقف‌اند. مطالعات و تحقیقات نشان داده است که رشد و تکامل کودک از جنبه‌های مختلف و رساندن او به اهداف تربیتی مورد نظر، بدون شناخت ابعاد شخصیتی کودک و توجه به نیازهای ذهنی، عاطفی، اجتماعی او در سنین و دوره‌های مختلف، و پیوند دادن و دمساز کردن او با ادیباتی که با نیازهای درونی و رغبت‌های مطالعاتی آنان متناسب و هماهنگ باشد، میسر نیست. لیکن آموزه‌های تربیتی و اجتماعی و گنجاندن این مفاهیم در آثار تولید شده برای کودک، نقش بسزایی در یادگیری مفاهیم و مهارت‌های آموزشی، اجتماعی و پرورش ابعاد مختلف شخصیتی از قبیل رشد شناختی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی آنان دارد. شاعران کودک سعی کرده‌اند تا از شعر به عنوان ابزاری در جهت انتقال پیام‌ها و ارزش‌های پسندیده اجتماعی بهره گیرند و با مطرح کردن بسیاری از مضامین تعلیمی و تربیتی با زبانی غیرمستقیم، زمینه تفکر و ارزیابی را در ذهن معصومانۀ کودک، فعال و فرصت تجربه‌اندوزی و کسب بسیاری از مهارت‌های اجتماعی را برای او مهیا سازند. همدلی یکی از پرکاربردترین مولفه‌های تربیتی در ادبیات کودک به شمار می‌رود. بی شک کودکی که مهارت همدلی را آموخته است، در مقایسه با کودکی که به خوبی با دیگران همدلی نمی‌کند، بهتر می‌تواند خودش را در موقعیت دیگران جایگزین کرده و به این ترتیب در آینده در بسیاری از موارد قدرت پذیرش و تحمل او افزایش می‌یابد.

هدف پژوهش حاضر، بازنمایی و بررسی مفهوم همدلی به عنوان یکی از مفاهیم و مولفه‌های مهم و پرکاربرد تربیتی در اشعار تعدادی از شاعران مطرح در عرصه ادبیات کودکان (افسانه شعبان نژاد، جعفر ابراهیمی، اسدالله شعبانی و ناصر کشاورز) است.

روش تحقیق

این پژوهش، مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است و پرسش محوری در تحقیق، چگونگی و

میزان به کارگیری و طرح مفهوم «همدلی» در اشعار و آثار هر یک از شاعران مورد مطالعه در پژوهش است.

پیشینه تحقیق

در باب پیشینه تحقیق، جستجو در پژوهش‌ها و مقالات مرتبط با ادبیات کودک، نشان می‌دهد تاکنون پژوهشی درباره مفهوم همدلی در شعر کودک انجام نگرفته است؛ البته در بعضی از پژوهش‌ها در خصوص درون‌مایه‌های شعر کودک مطالبی آمده است که به آنها اشاره می‌شود: مهدی حجوانی (۱۳۹۴) در مقاله «فراز و فرودهای شعر کودک و نوجوان ایران پس از انقلاب» وضعیت شعر کودک و نوجوان ایران را در سه دهه پس از انقلاب، توصیف و تحلیل کرده است؛ سیدمصطفی موسوی گرمارودی (۱۳۸۲) در کتاب «شعر کودک از آغاز تا امروز» دو دوره برای شعر کودک ایران متصور شده است. دوره اول، دوران قبل از انقلاب و دوره دوم شعر کودک، همزمان با وقوع انقلاب اسلامی ایران آغاز می‌شود. او ضمن ارائه نمونه‌هایی از شعر کودک و تاریخچه کلی آن، نوعی نگاه آسیب‌شناسانه به موضوع داشته است.

مبانی تحقیق

شعر کودک

«شعرکودک»، بخش اساسی ادبیات کودک را تشکیل می‌دهد و زمینه را برای رشد مهارت‌های فردی و اجتماعی کودکان و پرورش استعدادهای ذهنی و شکوفایی ذوق هنری آنان فراهم می‌سازد. یکی از محققان معروف عرب می‌گوید: «شعر، نزدیک‌ترین نوع ادبی به دنیای کودکان است» (عبدالنواب، ۱۴۱۹: ۶۶). در شعر ویژگی‌هایی هست که مطلوب فطری و غریزی کودکان است. بدیهی است که از این تمایلات می‌توان در پرورش فکری و ذهنی آنان بسیار سود برد. اهمیت پیام‌های اخلاقی در اشعار کودکان چندان است که به تعبیر آگینا بارتو شاعر روسی، «نتیجه‌گیری‌های اخلاقی که اطفال از شعرها می‌کنند تا آخر عمر با آنان باقی می‌مانند» (بارتو، ۱۳۷۲: ۲۰۶). شعر کودک مبتنی بر آموزه‌های تعلیمی و دربردارنده مفاهیم اجتماعی و تربیتی به صورت غیرمستقیم است. مفاهیمی که موجب درونی شدن پیام‌های آموزشی و تربیتی در مخاطب می‌شود و آنها را در مسیر پرورش و پیشرفت قرار می‌دهد.

ادب تعلیمی

«ادبیات تعلیمی از قدیمی‌ترین گونه‌های ادبی است که آثار آن دارای ماهیتی میان رشته‌ای

هستند و بطور مستقیم یا غیرمستقیم با دانش ها و رشته های دیگر ارتباط دارند» (رضی، ۱۳۹۱: ۹۸). در واقع می توان گفت: «اثر تعلیمی اثری است که دانشی (چه عملی و چه نظری) را برای خواننده تشریح کند یا مسائل اخلاقی، مذهبی و فلسفی را به شکل ادبی عرضه دارد» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۲۵۸). به عبارتی دیگر منظور از ادبیات تعلیمی ادبیاتی است که نیک بختی انسان را در بهبود منش اخلاقی او می داند و خود را متوجه پرورش قوای روحی و تعلیم اخلاقی انسان می کند.

همدلی

همدلی مکانیزمی است که بر تحول اخلاقی کودکان تأثیر می گذارد (ر.ک: جان بزرگی و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۱). به همین دلیل کودکانی که همدلی بیشتری دارند، نسبت به دیگران مهربانی و رفتارهای مراقبتی بیشتری دارند، با دیگران تعامل کلامی مثبت برقرار می کنند و نسبت به تعامل های غیرکلامی نیز حساس اند (Borba, 2001). شناخت و تشخیص احساس و درک دید دیگران یعنی درک وجود تفاوت میان دید و برداشت خود از موقعیت ها با دید و برداشت دیگران، از اجزاء عمده تشکیل دهنده همدلی است (Feshbach, 1978). توانایی همدلی یعنی این که انسان بتواند احساسات، رفتار و زندگی دیگران را حتی زمانی که در آن شرایط قرار ندارد، درک کند. این مهارت به کودک فرصتی می دهد تا ویژگی ها و توانایی های دیگران را کشف و همچنین تفاوت های آنان را نسبت به خود درک کند.

ادبیات کودک و مفاهیم تعلیمی

ادبیات کودک، نقش مهم و موثری در پرورش کودکان و نهادینه کردن ارزش های تربیتی و رشد مهارت های فردی و اجتماعی آنها دارد. و آن «گونه ای از ادبیات است که نیازهای کودک را برای او بیان می کند» (محمدبیگی، ۱۳۸۹: ۳۱) و موضوع آن عبارت است از «انعکاس و ارزیابی عالم کودکی و ویژگی های زیبایی شناسی دراماتیک، کمیک و تراژیک آن» (پولادی، ۱۳۸۷: ۲۷). اما «بنیادی ترین واقعیت که می تواند مبنای هر نظریه پردازی در حیطه ادبیات کودک باشد، این است که ادبیات کودک را کودک نمی آفریند، هر اثر ادبی هر اثر مکتوب که به گونه ای همزمان با عاطفه و شناخت کودک درآمیزد و موفق شود، امکان درهم آمیزی افق های دید و انتظارات آفریننده خویش و کودک را فراهم کند، ادبیات کودک است» (خسرونژاد، ۱۳۸۹: ۳۰). دوره کودکی پایه ای است که شخصیت جوامع بعدی در آن شکل می گیرد. «ادبیات کودکان پدیده ای

بسیار مهم و زیربنای تحولات ذهنی و فکری و اجتماعی آینده کشور است» (یمینی شریف، ۱۳۷۱: ۳۹).

ادبیات کودک، از جنبه‌های مختلف، دارای اهمیت است؛ به ویژه این که باعث تقویت ذوق زیبایی‌شناسی کودک می‌شود؛ ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی را به آنها انتقال می‌دهد؛ عواطف، احساسات و تفکر را رشد می‌دهد؛ به نیازهای رشدی و روانشناسی کودکان پاسخ می‌دهد و فرهنگ و دانش بشری را به آنها معرفی می‌کند (ر.ک: پولادی، ۱۳۸۷: ۳۳).

شعر کودک یکی از مهم‌ترین ارکان ادبیات کودک به شمار می‌آید و به عنوان یکی از ابزارهای تربیتی در این میان، نقشی مهم ایفا می‌کند. آموزه‌ای که در ظرف شعر ریخته می‌شود، می‌تواند عاملی باشد که به جنبه‌هایی از رشد کودک کمک کند. «شعر خوب باید بازگوکننده نیازهای درونی و بیرونی کودک باشد. موضوع شعر، بیان و زبان شعر، مناسب با گروه سنی مورد نظر شاعر باشد و از همه مهم‌تر این که از منطبق کودکانه برخوردار باشد» (شعبانی، ۱۳۸۹: ۱۲۷).

از آنجا که شعر از پتانسیل عاطفی برخوردار است، یکی از بهترین روش‌ها برای آموزش غیرمستقیم کودکان محسوب می‌شود تا هر مفهومی را هنرمندانه در قالب کلام و در اوج اثرگذاری بر ذهن مخاطب بنشانند و به عنوان ابزاری کارآمد برای آموزش و تعلیم و تربیت به کار می‌رود. کودکان و نوجوانان به اقتضای سن، هر کدام نیاز به آموزش و تربیت در سطوح مختلف دارند. یکی از بهترین، موثرترین و قوی‌ترین عوامل در انتقال این مفاهیم به این طیف سنی، آموزش غیرمستقیم است که می‌تواند از راه‌های مختلف به آنها القا شود. ادبیات و بالاخص شعر، یکی از ابزارهای موثر این انتقال به کودکان و نوجوانان به شمار می‌رود که به کمک خلاقیت، تخیل و رویا می‌توان ذهن کودک را در تجسم و تفهیم یک امر آموزشی یا تربیتی توان بخشید.

موضوعاتی که در شعر کودک طرح می‌شود، بسیار حائز اهمیت است. مفاهیمی که از دل این درونمایه بیرون می‌آید، نقش اساسی در میزان تاثیر بر مخاطب اثر دارد. لیکن یکی از ابعاد مهم ادبیات کودک و نوجوان، بعد محتوایی آن است و شاید همین اهمیت باعث شده که محققان و شاعران در تعریف شعر کودکان و نوجوانان، بر جنبه اندیشگی و فکری آن، بیشتر از جنبه‌های فرمی و زیبایی‌شناسانه آن تاکید کنند. با توجه به این که در شعر نیز همانند تمامی صورت‌های کلامی دیگر، مقصود گوینده در نهایت، القای معنی است می‌توان معنی و مضمون را اساسی‌ترین

عنصر شعر به شمار آورد.

در شعر کودک و نوجوان، توجه به چگونگی استفاده شاعران به معانی و مضامین رایج در ادبیات و خلق مضامین و معانی تازه که در محور عمودی شعر، موجب ایجاد برجستگی هنری می‌شود، قابل تامل است؛ زیرا کوشش در جهت آفرینش مضامین و معانی بکر، لطیف، ارزشمند و والا نوعی شگرد هنری در خدمت گسترش دامنه معنایی و آفرینش زیبایی در این محور است. جستجوی معنا و مضمون، بیشتر ناشی از نگرش و جهان بینی شاعر در توجه به «ارزش‌های زندگی» است (ر.ک: سلاجقه، ۱۳۸۵: ۴۱۴). در شعر کودک محتوای آموزشی شعر از اهمیت بالایی برخوردار است. بیان مناسب مضامین متعالی و آموزه‌های اخلاقی و تربیتی در شعر می‌تواند عواطف پاک و انسانی کودک را برانگیزد، انگیزه‌های همدلی و یاری و مهربانی را در آنها به وجود آورد، به گونه‌ای بایسته، حس زیبایی‌شناسی را در آنها بارور گرداند و در اندیشه، اخلاق و رفتار آنها تغییرات شگفتی ایجاد نماید. با توجه خاص به مضمون و درونمایه در شعر کودک، می‌توان بسیاری از اهداف آموزشی، تربیتی، دینی و فرهنگی را محقق گردانید. از دیدگاه کیانوش، مضامین شعر کودک «اگر سنجیده انتخاب شود، پرورنده روح اوست؛ گسترنده ذهن اوست و نگاه‌دارنده او در مسیر سلامت که طبیعت، او را ارزانی داشته است» (کیانوش، ۱۳۷۹: ۱۰۳). آموزش مفاهیم تعلیمی در قالب شعر، زمینه را برای جامعه‌پذیری کودک و دادن بیش لازم به وی آماده می‌سازد.

ادبیات تعلیمی به دلیل اهمیتی که در تعیین سرنوشت فردی و اجتماعی دارد، پر دامنه‌ترین مفهوم و به تعبیر دیگر، ژانری است که در قالب آثار ادبی منعکس شده است. تعلیم و تربیت همواره یکی از نخستین دغدغه‌های بشر بوده است و اصولاً رسالت پیامبران و نقش آنها در زندگی انسان‌ها برای رسیدن به این هدف بوده است. به تدریج با پیدایش و تکامل ادبیات و تقسیم آن به انواع مختلف، بسیاری از ادیبان بر آن شدند تا با درآمیختن ادب و آموزه‌های پرورشی راه را برای رسیدن به این امر هموار کنند و بدین ترتیب، ادب تعلیمی شکل گرفت. (ر.ک: رحمانی خلیلی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۴).

طرح مفهوم همدلی در شعر کودک

کودکان و نوجوانان به تعالیم و آموزش‌های متنوع و متفاوت و البته مفیدی برای ورود به دوران بزرگسالی نیاز دارند. همین تعالیم و آموزش‌ها هستند که یک فرد را برای زندگی در

آینده آماده می‌کنند. «از دیدگاه فارابی رسالت تربیت، پروراندن انسانی ایده‌آل است که پرورش عقلانی و اخلاقی یافته و در پیشبرد آرمان و سعادت جامعه موثر است» (کسایبی، ۱۳۸۳: ۵۹۲). ابن سینا نخستین کسی بود که به صورت نظام‌مند درباره آموزش و پرورش کودکان سخن گفته است. از نظر وی هدف آموزش کودک رسیدن به ایمان و اخلاق نکو و رفتارهای پسندیده است (سلامی، ۱۳۹۵: ۱۰۳). غزالی دل کودک را به جهت نقش‌پذیری و تاثیرپذیری مانند موم و زمین مستعد کشت می‌داند که از هر جهت آماده و قابل تعلیم و تربیت است: «بدان که کودک امانتی است در دست مادر و پدر، و آن دل پاک وی چون گوهری است نفیس، و نقش‌پذیر است چون موم و از همه نقش‌ها خالی است. چون زمینی پاک است که هر تخم که در وی افکنی بروید. اگر تخم خیر افکنی به سعادت دین و دنیا برسد و مادر و پدر و استاد در آن شریک باشند و اگر برخلاف این باشد بدبخت شود و ایشان در هر چه بر وی رود، شریک باشند» (غزالی، ۱۳۷۲: ۲۷).

مهمترین مضامین و درونمایه شعر کودک در دوره معاصر، شامل مضامین و مفاهیم اخلاقی، تربیتی و اجتماعی است. آموزش مسائل مهمی از مفاهیم اخلاقی، تربیتی و اجتماعی از قبیل: نوع دوستی، صلح طلبی، همدلی، محبت، مدارا، همکاری، احترام به بزرگتر، صداقت و... نقش انکارناپذیری در شکل دادن به شخصیت، ذهن و جهان بینی کودک دارد و زمینه‌های لازم را برای جامعه‌پذیری کودک فراهم می‌سازد. «در اشعار معاصران هم مضامین اخلاقی را به گونه ای مختلف می‌توان جست؛ مخصوصاً این که هر چه از دوره مشروطه به این طرف برای کودکان شعر سروده شد، مفاهیم و موضوعات، واقع بینانه‌تر انتخاب شد و شاعران کوشیدند از دریچه نگاه کودک به مسائل بنگرند و از واژگان و مفاهیم آشنای کودک بهره ببرند» (سنگری، ۱۳۸۲: ۹۱) و موضوعات اخلاقی را هنرمندانه در کام ذهن و ضمیر کودکان بریزند.

همدلی، مفهوم مهمی در حوزه روان‌شناسی و ارتباط بین فردی است (ر.ک: احمدی، ۱۳۸۵: ۱۰۴). به معنای فهمیدن و پذیرفتن پیام اشخاص، موقعیت و احساسات آنهاست و موجب گسترش رفتار اجتماعی مطلوب می‌شود (ر.ک: فرحانفر و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۶). همدلی مکانیزمی است که بر تحول اخلاقی کودکان تأثیر می‌گذارد (ر.ک: جان بزرگی و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۱). همدلی یکی از توانایی‌های هیجانی مهم است که نشانه‌ها و نمودهای آن از اوایل کودکی آغاز می‌شود. در سال‌های پیش از دبستان، همدلی محرک مهمی در پدیدآیی رفتارهای نوع

دوستانه به حساب می‌آید و به تدریج با گسترش توانایی‌های زبانی، بیان احساس‌های همدلانه در شکل کلامی نمایان می‌شود (Feshbach, 1978) این امر که بیانگر اندیشه ورزانه‌تر شدن همدلی است، پاسخ‌دهی مبتنی بر همدلی را وسعت می‌بخشد و امکان تجسم افکار و ادراک دیگران را فراهم می‌سازد.

بسیاری از نظریه‌ها فرض اساسی‌شان این است که همدلی بالا از رفتارهای ضد اجتماعی جلوگیری می‌کند، رفتار نوع دوستانه را تشویق می‌کند و رفتارهای اجتماعی مثبت را افزایش می‌دهد. یک فرد با همدلی بالا می‌تواند پاداش‌هایی از پیامد هیجان‌های خوب خود مانند آسودگی و خوشحالی داشته باشد که این مسئله خود تقویت کننده رفتار اجتماعی مطلوب خواهد شد (Jolliffe, 2010). به همین دلیل کودکانی که همدلی بیشتری دارند، نسبت به دیگران مهربانی و رفتارهای مراقبتی بیشتری دارند، با دیگران تعامل کلامی مثبت برقرار می‌کنند و نسبت به تعامل‌های غیرکلامی نیز حساس‌اند (Borba, 2001).

بحث

انواع همدلی در شعر کودک

شاعران کودک تلاش کرده‌اند به تناسب خصوصیات شخصیتی و ویژگی‌های روحی، روانی مخاطب، حس همدلی را در او برانگیزند و به پرورش احساسات همدلانه در کودک بپردازند. این مفهوم در شعر کودک و نوجوان با توجه به ویژگی‌ها و فضای خاص کودکانه اشعار در انواع گوناگون جلوه‌گر می‌شود و به صورت‌های مختلف کاربرد دارد:

الف) اشخاص: اشخاصی که در این اشعار، کودکان با آنها احساس همدلی می‌کنند: پدر و مادر و اعضای خانواده، دوستان و همسالان از جمله اشخاصی هستند که در شعر شاعران کودک، هر یک به شیوه‌ای احساس همدلی را در مخاطب برمی‌انگیزند.

پدر و مادر به عنوان اشخاصی که ارتباط عاطفی نزدیکی با کودک دارند، بارها موضوعات گوناگون یکی از شخصیت‌های شعر کودک بوده‌اند. غم و ناراحتی آنها به راحتی به کودک منتقل می‌شود و او حتی متوجه کوچک‌ترین تغییرات در چهره و حالات پدر و مادر خود می‌شود. در شعر زیر مفهوم همدلی در قالب شخص (مادر) و به صورت غیرمستقیم به مخاطب انتقال می‌یابد. به طوری که کودک، خستگی مادر را حس می‌کند:

«مادرم ایستاده / در کنار رودخانه / طشت رختش را گرفته / با دو دستش روی شانه / طشت

او خیلی بزرگ است / طشت او پر از لباس است / شسته آنها را که این طور / از سفیدی مثل یاس است / در کنار رودخانه / مانده‌ام من خیره بر کوه / روی دوش کوه دشتی / پر شده از ابر انبوه / مادرم مانند کوه است / رخت‌ها هم ابر انبوه / ناگهان گل می‌کند باز / آفتابی بر لب کوه» (شعبانی، ۱۳۷۶: ۱۲).

گاه به هم خوردن روابط عاطفی پدر و مادر و به وجود آمدن شرایط نابسامان روحی که ارتباط مستقیم با عواطف و احساسات کودک دارند، او را می‌آزارند. در مثال زیر قهر کردن پدر و مادر، ناراحتی و همدلی کودک را به دنبال داشته است:

«پدر و مادر من / هر دو خوش اخلاقند / قهر یا دعوا را / زشت و بد می‌دانند / یک شب اما آنها / قهر کردند از هم / خانه کوچک ما / شد پر از غصه و غم / گریه کردم آن شب / زود هم خوابم برد / گریه‌ای در خوابم / جوجه‌ای را می‌خورد / من پریدم از خواب / مادرم آب آورد / بعد بوسید مرا / پدرم نازم کرد / صبح دیدم مادر / باز هم خوشحال است / پدرم آمد باز / بر سر سفره نشست» (ابراهیمی، ۱۳۷۴: ۹).

در نمونه زیر شاهد جلوه زیبایی از ارتباط عاطفی و همدلانه بین یک خواهر و برادر هستیم؛ برادری که از کنار نگرانی و ناراحتی خواهر خود بی‌توجه عبور نکرده و از طریق گفتگو برای برطرف کردن مشکل و ناراحتی او تلاش می‌کند:

«خودنویسم جوهرش / ریخته بر روی فرش / کاملاً رفته فرو / رنگ سبزش توی فرش / قلب من لبریز غم / دست‌هایم جوهری ست / کاشکی اصلاً نبود / خودنویسی در جهان / دارم از ناراحتی / می‌شوم من نیمه جان / می‌رسد داداش من / خنده‌ای دارد به رو / او دبیرستانی است: / چی شده خواهر؟ بگو / خواهرم غصه نخور / شستن آن ساده است / لکه جوهر به تو / درس خوبی داده است / خوب اگر دقت کنی / درس در هر چیز هست / مشکلات زندگی / راه حلش نیز هست» (کشاورز، ۱۳۷۶: ۱۶).

مشکلات و نگرانی‌های دوستان و همسالان کودک نیز می‌تواند حس همدلی را در او بیدار کند. او با دیدن نیازها و ناراحتی دوستانش و همسالانش، متأثر می‌شود. گاهی شاعر با انتخاب چنین موضوعی موجب برانگیختن حس همدلی در مخاطب خود می‌شود:

«دست‌های پینه بسته‌اش / بوی یونجه زار می‌دهد / خنده‌های کودکانه‌اش / بوی نوبهار می‌دهد / در نگاه مهربان او / بوی خواب دیده می‌شود / گویی عکس او ز خستگی / توی آب

دیده می‌شود / کودک است و مثل مردها / روی خاک کار می‌کند / یونجه می‌کند درو و بعد / روی اسب بار می‌کند / او به جز درو و کشت و کار / درس دیگری نخوانده است / دست‌های کودکانه اش / از کتاب دور مانده است / کاش دست‌های کوچکش / بوی کاغذ و کتاب داشت / او که در نگاه خسته‌اش / تکه‌ای از آفتاب داشت» (ابراهیمی، ۱۳۷۸: ۲۶).

ب) طبیعت و اشیای پیرامون: کودکان به طور طبیعی جهان را بر حسب توانایی‌ها و احساسات درونی خودشان ادراک می‌کنند. «از آن جا که کودکان در مرحله خودمیان‌بینی و جاندارپنداری هستند، فاقد توانایی قائل شدن حدّ و مرز بین خود و محیط می‌باشند. آنها کل جهان را زنده و سرشار از احساس درک می‌کنند. به عنوان مثال کودک با مشاهده فنجان دمر شده آن را خسته می‌بیند و چوبی را که دو نیم شده است، صدمه دیده می‌پندارد» (کریمی، ۱۳۷۷: ۵۳). «در حیطه دید کودک همه چیز بیشتر از آن جان دارد که ما بزرگسالان می‌پذیریم. از دید او حتی جماد سخن می‌گوید و سخن می‌شنود، حرکت می‌کند و به حرکت وامی‌دارد. یک توپ تنها وسیله‌ای برای او نیست، همبازی اوست، همنفس و هم آواز اوست» (کیانوش، ۱۳۷۹: ۹۷). این ویژگی، نشانگر ارتباط حسی کودک با عناصر و اجزاء طبیعت است. لذا همه عناصر برگرفته از طبیعت، طبیعت جاندار و طبیعت بی‌جان اعم از گیاهان، جانوران، آسمان، دشت، کوه، سنگ، باران، ماه، خورشید و تمام اشیای پیرامون کودک، قابلیت وارد شدن به شعر کودک را دارند. بنابراین شاعر کودک در مقایسه با شاعر بزرگسال راحت‌تر می‌تواند نگاه مخاطب را به سمت اشیا و موجودات بی‌جان پیرامونش سوق بدهد و او را از رقیق‌ترین احساسات و عواطف سرشار کند. او دامنه گسترده‌ای از جمادات و نباتات و اشیا را در اختیار دارد که مخاطب به خوبی با آنها ارتباط برقرار می‌کند. این ارتباط موثر رابطه تنگاتنگی با خصلت «جاندارپنداری» کودک دارد.

«درک کودک از محیط، فیزیونومی و شهودی است؛ درکی سرشار از زندگی و احساس؛ درکی جان‌پندارانه که همه عناصر جهان را زنده احساس می‌کند. کودک از طریق هوش فیزیونومی خود به راحتی می‌تواند از سطح اشیا و پدیده‌ها عبور کرده، با لایه‌های درونی آنها تماس روحی و حسی بگیرد» (کریمی، ۱۳۷۷: ۵۳) و در حالات و احساسات آنها شریک شود:

«پیراهنم در حیاط / خیس بود و آفتاب می‌خورد / با خوشحالی روی بند / یواش یواش، تاب می‌خورد / آقای باد که او مد / خانه پر از صدا شد / از روی بند خانه / پیراهنم جدا شد / باد

و پیراهن من / بالای بالا رفتند / من توی خانه بودم / آنها از اینجا رفتند / پیراهن مرا باد / با های و هوی و هو برد / شاید که دختری داشت / آن را برای او برد» (شعبان نژاد، ۱۳۷۲: ۱۰).

مفهوم همدلی به زیبایی در شعر بالا گنجانده شده است. به طوری که کودک حتی زمانی که پیراهن او را باد از روی بند لباس با خود می برد، بر این باور است که شاید «باد»، دختری دارد که پیراهن ندارد و او برای خوشحالی آن دختر پیراهن را برایش برده است. به این ترتیب با او ارتباط عاطفی برقرار کرده و در احساساتش شریک می شود.

کودکان احساسات و عاطفی را بهتر درک می کنند که فاصله زیادی با احساسات و عواطف خودشان نداشته باشد و حداقل زمانی خود، آنها را تجربه کرده باشند. در نمونه زیر، مخاطب کودک با راوی شعر که یک کودک است، احساس همدلی می کند زیرا حس بد از دست دادن جوجه، خارج از تجربیات شخصی او در زندگی کودکانه اش نیست:

«آه ای گریه چرا / جوجه ام را بردی؟ / رفتی و روی درخت / جوجه ام را خوردی؟ / جوجه کوچک من / چه بدی داشت به تو با تو دیگر قهرم / برو از خانه برو!» (ابراهیمی، ۱۳۷۴: ۸).

در نمونه زیر، راوی در بیان قصه دلتنگی خویش با کلاغی تنها همانندپنداری می کند و این حس مشترک، معنی مورد نظر را تقویت می کند. شاعر در این سروده با بیان عاطفی خود به صورت غیرمستقیم قصد دارد تا مسئله همدلی را برای مخاطبش عرضه کند:

«آسمان آبی و صاف / و هوای دل من بارانی است / جز کلاغی که لب پرچین است / هیچ کس اینجا نیست / می نشینم لب حوض / می شوم خیره به چشمان کلاغ / می خزد توی دل غمگینم / غم پنهان کلاغ / من و او تنهایم / با غروبی که به رنگ دل ماست / او به اندازه من غمگین است / از نگاهش پیداست» (شعبان نژاد، ۱۳۷۴: ۲۳).

«همذات پنداری، نوعی دیگر از «آنیسم» یا «شخصیت بخشی» است که در نتیجه آن نه تنها اشیاء و پدیده ها جاندار انگاشته می شوند یا به آنها شخصیت بخشیده می شود، بلکه نوعی همذات پنداری یا همدلی بین حالات، صفات و رفتار و احساس آنها با راوی ایجاد می شود» (سلاجقه، ۱۳۸۵: ۲۶۷).

همذات پنداری کودک در پنداشتن حالات مشابه برای خود و اشیاء (عروسک) در شعر زیر، محور اصلی زیبایی آفرینی است:

«عروسک مانده تنها / نشسته توی خانه / نکرده موی او را / کسی در خانه شانه / دلش خیلی

گرفته / نشسته پشت پرده / برای لاله انگار / کمی هم گریه کرده / چرا مانند هر روز / کسی در فکر او نیست؟ / چرا از خاله بازی / اتاق لاله خالی ست؟ / نمی‌داند که لاله / شده شش ساله حالا / نمی‌داند که رفته / بخواند درس خود را / عروسک جان چه می‌شد / تو هم شش ساله بودی / خودت هم در دبستان / کنار لاله بودی» (شعبانی، ۱۳۷۵: ۳).

گاهی شاعر با به‌کارگیری توصیفات و تشبیهات و حس‌آمیزی‌های متعدد و زیبا، و با سوق دادن نگاه مخاطب به سمت عناصر و اجزاء طبیعت؛ احساسات همدلانه را در او برمی‌انگیزد. او بار عاطفی اشعارش را بالا می‌برد تا آموزشی که می‌دهد، محسوس و قابل درک باشد:

«زندگی زیباست، مانند زمین / زندگی زیباست، مثل آسمان / می‌توان این شعر را هر روز خواند / زندگی زیباست چون رنگین کمان / می‌توان بر آسمان‌ها تکیه زد / می‌توان روی زمین تنها نبود / توی گوش سنگ‌ها هم می‌توان / شعر خوب دوستی‌ها را سرود / می‌توان لبخند را ارزان فروخت / می‌توان همسایه‌ها را دوست داشت / می‌توان بر پشت بام خانه‌ها / مهربانی ریخت و گل‌بوته کاشت / می‌توان با شاپرک‌ها دوست شد / روی گل‌ها، بی صدا پرواز کرد / می‌توان در چشم‌ها هم خنده ریخت / اخم تلخ چشم‌ها را باز کرد» (ابراهیمی، ۱۳۸۲: ۳۶).

یا در نمونه زیر که کودک در جهت همدردی و همدلی با طبیعت و عناصر آن، عکس‌العمل عاطفی از خود نشان می‌دهد:

«می‌توان مانند آبی صاف و پاک / از لب یک چشمه تا دریا رسید / ابر شد بالای بالا رفت و بعد / بر لب خشکیده صحرا چکید / می‌توان با دست‌های نرم باد / در هوا چون بادبادک پر کشید / لحظه‌ای با رقص خود بر صورتی / نقش یک لبخند زیبا را کشید / می‌توان با دست خود یک لانه ساخت / سایبان جوجه‌ای بیچاره شد / می‌توان در فصل سرما فصل برف / وصله‌ای بر کفش‌هایی پاره شد» (شعبان نژاد، ۱۳۷۴: ۱۷).

این عکس‌العمل حسی و عاطفی گاهی نیز بین طبیعت و اجزاء آن جلوه‌گر می‌شود:

«هدهدی نشست روی سنگ / داد بال و پر به دست باد / هدهد از صدای گرم خود / زندگی به قلب سنگ داد / از صدای گرم او شکفت / غنچه‌ای که پای سنگ بود / غنچه شکفته، پای سنگ / مثل خنده‌ای قشنگ بود / باد، بوی غنچه را گرفت / برد تا به دشت‌های دور / شد هوا پر از صدای گل / شد زمین پر از نشاط و شور» (ابراهیمی، ۱۳۷۸: ۲۳).

همان‌طور که می‌بینیم شاعر «زندگی به قلب سنگ»، «شکفتن غنچه پای سنگ»، «پر شدن هوا

از صدای گل» و «پُر شدن زمین از نشاط و شور» همه را به خاطر «هَدَهْد» می‌داند. لیکن معانی ثانوی شعر در ابعاد مضمون آفرینی و خلق معنی، یکسره در خدمت القاء پیامی است که درونمایه آن حس همدلی و ارتباط عاطفی بین عناصر طبیعت است.

کودک به سبب اینکه هنوز از طبیعت اولیه خود دور نشده است، عمیقا به طبیعت دلبستگی دارد. در شعر «گل زرد»، کودک مثل یک پروانه در کنار گلی می‌نشیند و برایش قصه می‌گوید و با نرمی از او دلجویی می‌کند و در نهایت با او دوست می‌شود:

«رفته بودم توی صحرا / دیدم آنجا یک گل زرد / گونه هایش شبمی بود / مثل اینکه گریه می‌کرد / توی صحرا او لباسی / سبز و زیبا بر تنش بود / پنج، شش تا خار کوچک / دکمه پیراهنش بود / او ولی تنهای تنها / بود آنجا توی صحرا / چون گلی دیگر ندیدم / غیر از او آن دور و برها / مثل یک پروانه رفتم / در کنار او نشستم / قصه‌ای گفتم برایش / غصه‌هایش را شکستم» (کشاورز، ۱۳۷۷: ۶).

شیوه‌های ابراز همدلی

همدلی، در شعر کودک با رفتار، حرکات و عکس‌العمل‌هایی همراه است که عکس‌العمل‌های عاطفی به صورت‌های مختلف و شیوه‌های گوناگونی در اشعار شاعران ابراز می‌شود:

الف) گفتگو: در پاره‌ای از اشعار، شاعران تلاش کرده‌اند از طریق گفتگو بین کودک و شعر (که نقش همدل را به عهده دارد) با شخصیت مقابل شعر، پیام همدلی و محبت را به مخاطب منتقل کنند و به صورت غیرمستقیم به او آموزش بدهند که برای همدلی هم باید خوب گوش کرد و هم اینکه باید از طریق سخن گفتن با شخص آسیب دیده او را آرام کرد.

گاهی شعر از زبان خود شخص آسیب‌دیده روایت می‌شود و مهارت شنیدن در مخاطب کودک تقویت شده و برای لحظاتی در فکر و ذهن خود با او احساس همدلی می‌کند:

«من مترسک هستم / شکل من زیبا نیست / تنم از چوب درخت / سرم از یک قوطی ست / توی یک شالیزار / تک و تنها هستم / چند سال است الان / که من اینجا هستم» (کشاورز، ۱۳۷۰: ۱۱).

در این شعر، مخاطب کودک پای صحبت‌ها و درد دل‌های مترسک نشسته است. نادیده گرفتن عواطف مترسکی که احساس زشت بودن می‌کند، عاطفه مخاطب کودک را برمی‌انگیزد. گاهی کودک درون شعر با مخاطبی که نیاز به همدلی دارد سخن می‌گوید. در این گفتگو که

اصطلاحاً گفتگوی یک سویه نامیده می‌شود، مخاطب خاموش است به نحوی که به نظر می‌رسد هر آنچه در دل دارد و می‌خواهد بگوید توسط متکلم دیگری که با او احساس همدلی می‌کند بیان می‌شود:

«آرزوی یک درخت خشک / سبز بودن است / آرزوی یک پرنده نیز / پر گشودن است / من درختم و تو هم پرنده‌ای / سوی من بیا / شاخه‌های من پر از جوانه است / آسمان سینه‌ام برای تو / آشیانه است» (شعبانی، ۱۳۷۶: ۱۵).

گاه گفتگویی چند سویه از زبان راوی روایت می‌شود که موجب تقویت مهارت شنیدن در مخاطب شده و حس همدلی را در او برمی‌انگیزد:

«شاعر: از پنجره شب‌بویی را / با قطره شبنم دیدم / یک پنجره زیبایی را / از صحبت آنها چیدم / شبنم: من شبنمکی شفافم / تو یک گل زیبارویی / شب‌ها من و تو هم‌رازیم / من شبنم و تو شب‌بویی / با شوق فراوان خود را / در برگ گلت جا دادم / آینه شدم قلبم را / بر آبی دریا دادم / فردا که برآید خورشید / من بار سفر خواهم بست / هر جا بروم باکی نیست / زیبایی تو با من هست / شب بو: یک قطره نگو دریایی / دریای سراپا رازی / از سادگی و زیبایی / آینه هر پروازی / من با تو دلم می‌خواهد / خالی شوم از تنهایی / در باغ دلت بنشینم / تا گل کنم از زیبایی / شاعر: فردا که برآمد خورشید / بر پنجره آنها را دید / آن قطره نگو دریا را / با شوق و شگفتی نوشید» (شعبانی، ۱۳۷۶: ۱۸).

گفتگوی نمایشنامه‌وار در روایت شعری بالا، بر پایه گفتگوی سه شخصیت (شاعر، شبنم، شب‌بو)، شکل گرفته است. گفتگوی شاعر به نوعی روایت ماجراست و گفتگوی شبنم و شب‌بو، مناظره‌ای است برای معرفی و شناخت ارزش‌های والای هستی؛ گفتگوی دو پدیده از پدیده‌های حیات که بر مدار عاطفه می‌چرخد و در لایه‌های خود، آموزشی شناخت‌مدارانه را پنهان دارد که در نهایت، قصه محبت و نیاز ذاتی پدیده‌های هستی به یکدیگر است در چرخه حیات. درون‌مایه تربیتی گفتگو ویژگی یک مناظره هدفمند و کمال یافته را شکل داده و در بیان گزارشی شاعر، آن را به روایتی هنری تبدیل کرده است (ر.ک: سلاجقه، ۱۳۸۵: ۴۳۸).

گفتگو با خویشتن، شکل دیگری از گفتگوست. در این گونه گفتگو راوی به بهانه یک مخاطب به نوعی به گفتگو می‌پردازد. مانند نمونه زیر:

«گل ختمی تو خوب یادت هست / عصر یک روز گرم در صحرا / روی گلبوته‌های وحشی

دشت / رفته بودم به خواب من، تنها / ناگهان جیرجیر زنجیره‌ای / خواب را از دو چشم من
دزدید / چشم خود را گشودم و دیدم / گل تو با نسیم می‌رقصید» (شعبانی، ۱۳۷۶: ۷).

در گفتگوی شاعرانه بالا مخاطب، «گل ختمی» است که قادر به گفت و شنود نیست و در
واقع شاعر با خود سخن می‌گوید و در حالات و احساسات او شریک می‌شود.

ب) بیان آرزو: آرزو و تمنی یکی از مباحثی است که در مقوله کاربرد عاطفه در شعر قابل
تامل است. تمنی و ترجی در بیان آرزوهایی است که با همراهی اداتی مانند: کاش، ای کاش،
بود و... بیان می‌شوند و بر محور عاطفی کلام تاثیر می‌گذارند یا خود به هسته اصلی تاثیر و تاثیر
کلام تبدیل می‌شوند. حس همدلی گاه در قالب آرزو در شعر کودک ابراز می‌شود و از طریق
کاربرد ادات آرزو و واژه‌های تمنا (کاش، ای کاش) احساس همدلی بیشتر نمایان می‌شود.

در شعر زیر کودک شعر آرزو می‌کند ای کاش شاپرک چتری داشت تا زیر باران خیس
نمی‌شد. چتری که شاید خود روزی آرزوی داشتن آن را تجربه کرده باشد:

«باز باران می‌چکد / دانه دانه، توی حوض / زیر باران شاپرک / می‌پرد از روی حوض / آب
باران می‌چکد / باز روی دامنش / زیر باران تر شده / باز هم پیراهنش / زیر یک گل، شاپرک /
می‌نشیند بی‌صدا / کاش او یک چتر داشت / چتری از گلبرگ‌ها» (افسانه شعبان نژاد، ۱۳۷۲: ۱۶).

در نمونه دیگر آرزوهایی که کودک شعر می‌کند، حاکی از این است که «خستگی کمتر و
گرسنگی کلاغ» برایش قابل فهم بوده و دلش می‌خواهد در احساسات آنها شریک شود. تصویر
ساخته شده توسط شاعر در حقیقت، تابلویی واقعی است از یک وضعیت که می‌تواند در هیأت
ضرورت محبت، همدلی و کمک به دیگران، به تأثیرگذاری این سروده کمک کند:

«در کویری که خشک است و بی‌آب / دوست دارم که گندم بکارم / روز و شب مثل ابر
بهاری / قطره قطره بر آنها ببارم / دوست دارم کویری که خشک است / کشتزاری شود سبز و
خرم / چشمه‌ای در کنارش بجوشد / پُر شود از گل و سبزه کم کم / دوست دارم که در
کشتزارم / جشن گنجشک‌ها را ببینم / یا برای کلاغی گرسنه / ارزن و گندم و جو بچینم» (شعبان
نژاد، ۱۳۷۴: ۵۳).

و یا در مثال زیر که به بیان آرزوهایش در ارتباطی عاطفی و همدلانه با پدیده‌های پیرامون
می‌پردازد:

«دوست دارم که پر از گل بشوم / مثل یک باغ پر از یاس سفید / پر شوم از چمن و سبزه و

گل / خم شود روی سرم شاخه بید / گاه گاهی که نسیمی سبک از / گوشه باغ دلم می‌گذرد /
یک سبب خنده به دستش بدهم / هر کجا می‌رود آن را ببرد / ببرد خنده گل‌های مرا / سر راهش
بدهد دست به دست / پر کند از گل و از خنده گل / خانه‌ای را که پر از غم شده است /
دوست دارم همه را باغ کنم / عطر گل پخش کنم توی هوا / غصه را پرپر و پژمرده کنم / گل
لیخند بکارم همه جا» (شعبان نژاد، ۱۳۷۰: ۱۶).

در شعر زیر نیز شاعر، کودک را با بیان توصیفی و روایتی از یک وضعیت رو به رو می‌کند. و
کودک از اینکه «آدم برفی» در سرمای بیرون مانده و او در خانه و زیر کُرسی خوابیده، ناراحت
است و آرزو می‌کند آدم برفی هم دور از سرما بود. در این سروده، عنصر عاطفه نقش اصلی را
در تقویت محور معنایی شعر بر عهده دارد و شعر با بار عاطفی مناسب که القا می‌کند، حس
همدلی را در کودک پرورش می‌دهد:

«دوستم در کوچه / توی سرما مانده / من در اینجا هستم / او در آنجا مانده / کوچه اما شب‌ها
/ سرد و یخبندان است / دوستم تا فردا / آه، یخ خواهد بست / زیر کُرسی الان / راحت است و
گرم است / بالش زیر سرم / مثل مَخمَل، نرم است / کاش می‌شد او هم / مثل من، اینجا بود /
گرم می‌شد اینجا / دور از سرما بود / دوستم آرام است / آدم بی حرفی است / همه جایش از
برف / اسمش آدم برفی است» (ابراهیمی، ۱۳۷۴: ۱۳).

ج) عکس‌العمل عاطفی و احساسی: گاه حرکات و رفتارهایی القاکننده عاطفه در شعر هستند.
افعالی مثل «ناز کردن»، «بوسیدن» و ... افعالی هستند که بر مفهوم نزدیک بودن و همدلی دلالت
دارند. این عکس‌العمل‌های عاطفی به صورت شیوه‌های ابراز همدلی در شعر کودک کاربرد و
بازتاب دارند.

«یک کاسه شبنم جمع کردم / باغ گلم را آب دادم / بر روی پیچک‌های باغم / پروانه‌ها را
تاب دادم / سنجاقکی را آب می‌برد / او را گرفتم خشک کردم / خواباندم آن را توی دستم / در
ننویی از برگ مریم / یک گوشه از باغ دلم را / مانند گندمزار کردم / گنجشک‌ها را دانه دانه / با
بوسه‌ای بیدار کردم» (شعبان نژاد، ۱۳۷۰: ۷).

در شعر فوق، کودک شعر با رفتارها و عکس‌العمل‌هایی عاطفی از قبیل: «تاب دادن پروانه»،
«خواباندن سنجاقک» و «بوسیدن گنجشک‌ها» به نوعی همدلی خود را با اجزاء طبیعت پدیده‌های
پیرامون، ابراز می‌کند.

گاهی در پی به وجود آمدن یک احساس، «فعلی» صورت می‌گیرد که احساس را بیشتر به نمایش می‌گذارد. در واقع زمانی احساس همدلی کاملاً به ثمر می‌نشیند که اقدامی مثبت برای شخص مقابل صورت بگیرد:

«جویبار می‌خزد / روی ماسه‌های نرم / خواب رفته لاک‌پشت / زیر آفتاب گرم / می‌خزد نگاه من / روی چوب و روی سنگ / چوب‌های خشک و تر / سنگ‌های رنگ رنگ / جمع می‌کنم کمی / دانه دانه سنگ و چوب / بعد می‌کنم درست / خانه‌ای تمیز و خوب می‌دهم به لاک پشت / یک اتاق خانه را / خانه قشنگ ما / می‌شود پر از صفا» (شعبانی، ۱۳۷۶: ۲۲).

در مثال زیر، شاعر با استفاده از ساخت تصویرهای ذهنی مبتنی بر همانندپنداری، مقصود خود را که همانا همدلی و مهرورزی است، هنرمندانه بیان کرده است. طوری که مخاطب بعد از به پایان بردن شعر، به نحوی غیرمستقیم به پیامی ارزشمند و لطیف دست می‌یابد:

«من جوجه‌ای خوش رنگ دارم / او توی جعبه دانه دارد / یک گربه هم دارم ولی او / با جوجه‌ام کاری ندارد / ماشینی است این جوجه من / یعنی که او مادر ندارد / اما همیشه مادر من / گندم برایش می‌گذارد / طفلک همیشه صبح تا شب / در جعبه‌اش تنها نشسته / یک شب که جیک و جیک می‌کرد / فهمیدم او قلبش شکسته / دیشب زن همسایه ما / می‌گفت: من یک مرغ دارم / من جوجه ام را دیگر از صبح / پهلوی مرغش می‌گذارم» (کشاوری، ۱۳۷۶: ۱۸).

و گاه عنصر عاطفه نقش اصلی را در تقویت محور معنایی شعر بر عهده دارد و شعر با بار عاطفی مناسب که القا می‌کند، حس همدلی را در کودک پرورش می‌دهد:

«دوباره مادر آورد / نخ و سنجاق و سوزن / که یک دامن بدوزد / برای خواهر من / ولی سوزن، نوکش را / به دست او فرو کرد / نوک انگشت او را / کمی رنگ لبو کرد / بدون گریه اما / لباس تازه را دوخت / برای دست مادر / تمام شب، دلم سوخت» (همان: ۷).

موارد فراوانی از این قبیل در شعر کودک یافت می‌شود که هر یک در جهت تقویت و پرورش حس همدلی و انتقال این آموزه مهم تعلیمی و تربیتی به مخاطب به کار رفته‌اند.

نتیجه‌گیری

مفاهیم تربیتی و آموزه‌های اخلاقی و تعلیمی، نقش بسزایی در پرورش روح و ذهن کودک دارند. این مفاهیم بازتاب گسترده‌ای در ادبیات کودک و نوجوان داشته است و از دیرباز، محور توجه شاعران کودک بوده و در دوره معاصر نیز، بیشتر شاعران حوزه ادبیات کودک در جهت

پیشبرد اهداف آموزشی و تربیتی تلاش کرده‌اند. در این میان شعر کودک، راه مناسب و درخور فهمی برای هدایت او به سوی رشد است. شعر یکی از بهترین و موثرترین شیوه‌های آموزشی و ابزارهای تربیتی تلقی می‌شود. در هر شعر خوب که به خصوص برای کودکان سروده می‌شود، در حقیقت آموزش‌هایی نهفته و پیام‌هایی آموزنده گنجانده شده است که آنها را در مسیر پیشرفت و پرورش قرار می‌دهند. نظر به اهمیت موضوع و تاثیر آن در تعلیم و تربیت کودکان، در این پژوهش آثار و اشعار چند تن از شاعران مطرح حوزه ادبیات کودک و نوجوان از منظر توجه به مفهوم همدلی از مفاهیم مهم و پرکاربرد تربیتی، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت و نمونه‌های شعری مربوط به این مقوله در آثار آنها استخراج گردید. در ادامه با مقایسه هر شاعر در میزان پرداختن به مؤلفه مورد نظر و در نهایت به مقایسه آثار کلیه شاعران مورد مطالعه، پرداخته شد. بر این اساس، افسانه شعبان نژاد با ۳۸/۴۶ درصد، جعفر ابراهیمی با ۳۴/۶۱ درصد و اسدالله شعبانی با ۳۰ درصد و ناصر کشاورز با ۲۶/۷۲ درصد به مؤلفه همدلی در آثارشان پرداخته‌اند. این مقوله با میزان ۳۸/۴۶ درصد در آثار افسانه شعبان‌نژاد نسبت به سایر آثار مورد بررسی، بیشترین کاربرد را دارا است.

بسامد کاربرد مولفه «همدلی» در اشعار شاعران مورد مطالعه



منابع

کتاب‌ها

- ابراهیمی، جعفر (۱۳۷۸) *آواز پوپک*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ابراهیمی، جعفر (۱۳۸۲) *سبزپوش مهربان*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ابراهیمی، جعفر (۱۳۷۴) *مثل یاس*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ابراهیمی، جعفر (۱۳۸۷) *بنیادهای ادبیات کودک*، چاپ دوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

- بارتو، آگینا، لیلی ایمن (۱۳۷۲) اشعار کودکان در زمان ما، تهران: شورای کتاب کودک.
- بزرگی، مسعود (۱۳۹۰) آموزش اخلاق و رفتار اجتماعی به کودکان، تهران: انتشارات ارجمند.
- خسرونژاد، مرتضی (۱۳۷۸) دیگرخوانی‌های ناگزیر، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- سلاجقه، پروین (۱۳۸۵) از این باغ شرقی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شعبان‌نژاد، افسانه (۱۳۷۴) شیشه آواز، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شعبان‌نژاد، افسانه (۱۳۷۲) چتری از گلبرگ‌ها، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شعبان‌نژاد، افسانه (۱۳۷۰) یک کاسه شبنم، تهران: انتشارات مدرسه.
- شعبانی، اسدالله (۱۳۷۶) آواز توکا، تهران: نشر فردا.
- شعبانی، اسدالله (۱۳۷۵) پولک ماه، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شعبانی، اسدالله (۱۳۷۶) عصا و اسب چوبی، چاپ دوم، تهران: نشر فردا.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۰) انواع ادبی، تهران: انتشارات باغ آینه.
- عبدالطوب، یوسف (۱۴۱۹ق) طفل ما قبل المدرسه، القاهره: الدار المصریه اللبنانی.
- غزالی طوسی، ابوحامد امام محمد (۱۳۷۲) کیمیای سعادت، تصحیح حسین خدیوچم، تهران: علمی فرهنگی.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۳) کودکی بازیافته، چاپ چهارم، تهران: انتشارات عابد.
- کسایی، نورالله (۱۳۸۳) فرهنگ نهادهای آموزشی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کشاورز، ناصر (۱۳۷۶) آه پونه، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- کشاورز، ناصر (۱۳۷۷) باغ رنگارنگ، آواز قشنگ، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- کشاورز، ناصر (۱۳۷۰) من و مرغابی‌ها، تهران: نهاد هنر و ادبیات.
- کیانوش، محمود (۱۳۷۹) شعر کودک در ایران، چاپ سوم، تهران: انتشارات آگاه.

محمدبیگی، ناهید (۱۳۸۹) رازکاوی ادبیات کودک و نوجوان، چاپ اول، تهران: انتشارات ترفند.

یمینی شریف، عباس (۱۳۷۱) نیم قرن در باغ شعر کودکان، چاپ پنجم، تهران: انتشارات روش نو.

مقالات

احمدی، محمد رضا. (۱۳۸۵). مبانی روانشناختی ارتباط مؤثر والدین با فرزندان. مجله معرفت، (۷)، ۱۱۰-۱۰۴.

پولادی، کمال. (۱۳۸۶). اسطوره و ادبیات کودک. مجله روشنان پژوهش، (۶)، ۳۰-۲۲.
رضی، احمد. (۱۳۹۱). کارکردهای تعلیمی ادبیات فارسی. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، (۱۵)۴، ۹۷-۱۲۰.

رحمانی خلیلی، وحید، مشهور، پروین دوخت، سیدی، حسین، شعبانی، اکبر. (۱۳۹۸). بررسی ابعاد تعلیمی اشعار ذکر شده در فیه مافیه و مجالس سبعة بر پایه نظریه تقابل‌های دوگانه. فصلنامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، (۴۱)۱۱، ۱۳۶-۱۱۳.

سلامی، مسعود. (۱۳۹۵). سیری در ادبیات تعلیمی کودکان ایران. مطالعات ادبیات تطبیقی، (۳۷)۱۰، ۱۲۱-۱۰۱.

سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۲). شعر کودک. روشنان پژوهش، (۱)، ۱۱۳-۸۲.
شعبانی، اسدالله. (۱۳۸۹). شکل و ساختار شعر کودک. پژوهشنامه ادبیات کودکان و نوجوانان، (۲)، ۱۴۲-۱۲۵.

فرحانفر، محبوبه، نادى، محمدعلی. (۱۳۹۴). تأثیر تعهد دینی و همدلی بر دانش‌آموزان مقطع دبیرستان. مجله پژوهش‌های علوم رفتاری، (۸)، ۸۰-۶۷.

کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۷۶). تفکر شهودی در کودکان. پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، (۱۰)، ۳۱-۲۴.

References

Book

Abd al-Tawab, Yusuf (1998) **Our child before school**, Cairo: Lebanese Egyptian Dar.

Barto, Agina, Lily Ayman (1994) **Poems of children in our time**, Tehran: a book of children's books.

Bozorgi, Massoud (2011) **Teaching ethics and social behavior to children**, Tehran: Arjmand Publications.

Ebrahimi, Jafar (1996) **Like Yas**, Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents.

Ebrahimi, Jafar (1999) **Poopak Song**, Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents.

Ebrahimi, Jafar (2003) **Green-clad Mehraban**, Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents.

Ebrahimi, Jafar (2008) **Foundations of Children's Literature**, Second Edition, Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents.

Ghazali Tusi, Abu Hamed Imam Mohammad (1994) **Alchemy of Happiness**, edited by Hossein Khadiojam, Tehran: Cultural Science.

Karimi, Abdolazim (2004) **Recovered Childhood**, Fourth Edition, Tehran: Abed Publications.

Kasaei, Noorullah (2004) **Culture of Iranian Educational Institutions**, Tehran: University of Tehran Press.

Keshavarz, Nasser (1992) **Me and the Ducks**, Tehran: Art and Literature Institute.

Keshavarz, Nasser (1997) **Ahponeh**, Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents.

Keshavarz, Nasser (1998) **Colorful Garden, Beautiful Song**, Tehran: Center for Intellectual Development of Children and Adolescents.

Khosronejad, Morteza (1999) **Inevitable Other Readings**, Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents.

Kianoosh, Mahmoud (2001) **Children's Poetry in Iran**, Third Edition, Tehran: Agah Publications.

Mohammad Beigi, Nahid (2010) **The Secret of Child and Adolescent Literature**, First Edition, Tehran: Tarfand Publications.

Selajgeh, Parvin (2006) **From this eastern garden**, Tehran: Center for the intellectual development of children and adolescents.

Shabani, Assadollah (1996) **Polak Mah**, Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents.

Shabani, Assadollah (1997) **Touka Song**, Tehran: Farda Publishing.

Shabani, Assadollah (1997) **Wooden cane and horse**, second edition, Tehran: Farda Publishing.

Shabannejad, Afsaneh (1991) **A Bowl of Dew**, Tehran: Madrasa Publications.

Shabannejad, Afsaneh (1993) **An umbrella of petals**, Tehran: Center for the intellectual development of children and adolescents.

Shabannejad, Afsaneh (1996) **Shishe Avaz**, Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents.

Shamisa, Sirius (1991) **Literary Types**, Tehran: Bagh-e Ayeneh Publications.

Yamini Sharif, Abbas (1992) **Half a Century in the Children's Poetry Garden**, Fifth Edition, Tehran: New Method Publications.

Articles

Ahmadi, Mohammad Reza. (2007). **Psychological foundations of effective communication between parents and children.** *Journal of Knowledge*, (7), 110-104.

Farhanfar, Mahboubeh, Nadi, Mohammad Ali. (2016). **The effect of religious commitment and empathy on high school students.** *Journal of Behavioral Sciences Research*, (8), 80-67.

Karimi, Abdul Azim (1998). **Intuitive thinking in children.** *Journal of Children and Adolescent Literature*, (10), 31-24.

Rahmani Khalili, Vahid, famous, Parvin Dokht, Sidi, Hossein, Shabani, Akbar. (2020). **Investigating the educational dimensions of the poems mentioned in Fih Mafia and Sab'a councils based on the theory of double confrontation.** *Scientific Quarterly of Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)*, 11 (41), 136-113.

Razi, Ahmad (2013). **Educational functions of Persian literature.** *Journal of Educational Literature*, 4 (15), 97-120.

Salami, Massoud. (2017). **A look at the educational literature of Iranian children.** *Comparative Literature Studies*, 10 (37), 121-101.

Sangari, Mohammad Reza (2004). **Children's poetry.** *Enlightenment Research*, (1), 113-82.

Shabani, Assadollah. (2011). **The form and structure of children's poetry.** *Journal of Children and Adolescents Literature*, (2), 142-125.

Steel, perfection. (2008). **Myths and children's literature.** *Journal of Research Enlightenment*, (6), 30-22.

Scientific Quarterly of Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts
(Dehkhoda)

Volume 14, Number 51, Spring 2022, pp. 455-477

Date of receipt: 6/8/2020, Date of acceptance: 24/2/2021

(Research Article)

DOI: [10.30495/dk.2021.1906320.2038](https://doi.org/10.30495/dk.2021.1906320.2038)

۴۷۷

A study and analysis of the "empathy" component in contemporary children's literature

Maryam Alaei¹, Dr. Maryam Yuzbashi², Dr. Zohreh Nourainia³

Abstract

Children's literature is a beautiful example of literature that plays a major role in children's cultural and intellectual development. Children's poetry is an essential part of this type of literature and provides the ground for the development of children's individual and social skills and the development of their mental talents. The world of the child is a sensitive and important world in terms of educational and moral impact and poetry, as one of the educational tools in this plays an important role. "Empathy" is one of the prominent and researchable educational concepts in the field of children's poetry that has been widely reflected in children's and adolescent literature and has long been the focus of children's poets. This article descriptively-analytically and based on library data examines the concept of empathy in children's poetry "AfsanehShabannejad", "Jafar Ebrahimi", "Assadollah Shabani" and "Nasser Keshavarz" are prominent poets in the field of children's literature and Teen pays. The research findings show that the studied poets pay attention to educational concepts, especially the component of empathy in their works.

Keywords: Children's Poetry, Empathy, Afsaneh ShabanNejad, Jafar Ebrahimi, Assadollah Shabani, Nasser Keshavarz.

¹ . PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Imam Khomeini Memorial Branch, Rey, Islamic Azad University, Tehran, Iran. m.ahoor32@yahoo.com

² . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Imam Khomeini Memorial Branch, Rey City, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) maryamyoubashi77@gmail.com

³ . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Imam Khomeini Memorial Branch, Rey, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Nooraenia_z5@yahoo.com